



حمل قرآن

پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید

دکتر ابوالفضل خوش‌منش

«برگزیده دوازدهمین جشنواره پژوهش فرهنگی سال ۱۳۸۹»



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۷

خوش منش، ابوالفضل، ۱۳۴۸ -
حمل قرآن؛ پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید / ابوالفضل خوش منش. - قم: پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
هشت، ۲۷۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۴۹: علوم قرآنی؛ ۹)
ISBN: 978-600-298-214-8
بها: ۱۵۵۰۰ تومان
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۴۱]-۲۵۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
ویراست دوم.
۱. قرآن - آموزش. ۲. قرآن - حفظ. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۷ ۸ ح ۸ / ۸ / BP ۸۰ / ۸ / ۲۹۷ / ۱۵۱
شماره کتابشناسی ملی
۵۲۰۶۳۹۹



حمل قرآن؛ پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید

مؤلف: ابوالفضل خوش منش (دانشیار دانشگاه تهران)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ چهارم (ویراست دوم): تابستان ۱۳۹۷

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر که اینک با تجدید نظر و اضافات به قرآن دوستان تقدیم می‌گردد، به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته علوم قرآنی و حدیث در مقطع کارشناسی، حافظان قرآن، مؤسسات فعال در حوزه آموزش و حفظ و ترویج قرآن و عموم علاقه‌مندان به معارف قرآن قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، آقای دکتر ابوالفضل خوش‌منش سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	دیباچه
۳	مقدمه
۷	فصل اول: مروری بر تعلیم و تحفیظ قرآن در گذر زمان
۷	بررسی لغوی و اصطلاحی برخی مفاهیم کلیدی
۱۰	مصحف و ترتیب آسمانی آن
۱۳	پیامبر اکرم ﷺ نخستین معلم قرآن کریم
۱۴	کیفیت فرائد و اقراء پیامبر اکرم ﷺ
۱۵	الف) یک تقسیم‌بندی روایی
۱۸	ب) اهمیت شناخت مواضع وقف
۱۸	نظام اقراء و استقراء در روش پیامبر اکرم ﷺ
۲۵	استماع پیامبر اکرم ﷺ
۲۷	شیوه ترویجی پیامبر اکرم ﷺ
۲۷	تشویق پیامبر ﷺ در حق اهل قرآن
۲۸	کمیت اقراء در روش آموزشی رسول اکرم ﷺ
۲۹	تیسیر و تسهیل در روش آموزشی پیامبر اکرم ﷺ
۳۱	پیدایش رگه‌های انحراف در امر آموزش قرآن کریم
۳۳	حزب مفصل، کتاب آموزشی قرآن
۳۴	اهمیت حزب مفصل در نظر پیامبر اکرم ﷺ
۳۵	۱. معنای «مفصل» و حدود آن
۳۵	۲. ویژگی‌های حزب مفصل
۳۷	برخورد حکیمانه پیامبر ﷺ با موضوع «غلط‌خوانی»
۳۹	پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و آموزش تدبیر در قرآن
۴۱	روی‌آوری امت به فراگیری قرآن
۴۲	انگیزه‌های روی‌آوری به فراگیری قرآن
۴۴	تقدم فراگیری قرآن بر فراگیری دیگر علوم

۴۵	اماکن آموزش قرآن کریم
۴۸	استمرار تعلیم و تعلم قرآن کریم در قرن‌های اخیر
۴۸	۱. سودان
۴۹	برنامه روزانه و طریقه ختم قرآن
۵۰	۲. تونس
۵۱	۳. عربستان
۵۲	۴. منطقه عثمانی سابق
۵۳	۵. مصر
۵۳	مروری بر سه سرگذشت در باب «قرآن‌آموزی»
۵۳	الف) سیدقطب
۵۴	ب) محمد عبده
۵۶	ج) طه حسین
۵۶	- حفظ و فراموشی نخستین
۵۸	- آغاز حفظی دیگر
۵۸	- همچنان داستان فراموشی
۶۰	- قرآن و علوم دینی
۶۲	- قرآن و تجوید
۶۴	۶. ایران
۶۴	الف) مکتب‌خانه‌ها
۶۵	ب) داستان آموذن روش‌ها در تعامل با قرآن
۶۸	ج) داستان آموذن روش‌ها در حفظ قرآن
۷۰	د) قرآن و دفاع مقدس
۷۲	ه) برگ‌های خاطرات شخصی نگارنده
۸۰	و) حالات دو نمونه از حاملان قرآن کریم
۸۴	ز) وضع معاش استادان
۸۷	فصل دوم: آموزه‌های قرآن کریم و روایات دربارهٔ حمل قرآن
۸۷	زبان قرآن
۸۸	۱. چیستی زبان قرآن
۹۴	زبان قرآن و شرط‌های بهره‌گیری از آن
۹۵	۲. بررسی مفهوم «عربی مبین» در قرآن کریم
۹۸	۳. زبان قرآن و شکل عربی آن
۱۰۲	۴. تفاوت زبان قرآن با زبان عربی قوم عرب
۱۰۵	۵. قرآن، بازکننده زبان و سینه انسان‌ها
۱۰۶	۶. انطباق زبان قرآن با فطرت انسانی
۱۰۸	۷. رابطه زبان قرآن با رسالت جهانی آن
۱۱۳	قلب انسان، جایگاه شایسته قرآن کریم

۱۱۸	اصل ایمان به قرآن
۱۱۹	رابطه ایمان به قرآن با تلاوت آن
۱۱۹	اصل تدبّر در قرآن
۱۲۱	۱. ارتباط تدبّر با قرائت قرآن
۱۲۲	۲. نقش تعیین کننده «استماع» در تدبّر
۱۲۴	۳. مفهوم «تدبّر»
۱۲۴	۴. پیوند آموزش قرآن با تدبّر
۱۲۶	۵. قلب انسان، ظرف و ابزار تدبّر در قرآن
۱۲۸	تفاوت میان تفسیر و تدبّر
۱۴۰	- تدبّر و مسئله «عمل به قرآن»
۱۴۳	- آثار دیگر تدبّر
۱۴۴	مفهوم «حفظ» از دیدگاه قرآن کریم
۱۴۴	۱. حفظ قرآن به مفهوم مصونیت الهی آن
۱۴۵	۲. حفظ به مفهوم «ذکر»
۱۴۵	الف) ذکر زبانی
۱۴۶	ب) ذکر قلبی
۱۴۶	رابطه ذکر و قلب
۱۴۷	۱. قرائت قرآن در نماز و نقش آن در ایجاد «ذکر»
۱۵۰	۲. دلایل تأکید بر پیوند میان قرآن و نماز
۱۵۰	۳. استمرار ذکر
۱۵۱	اجتناب از تعجیل و اکراه در امر فراگیری قرآن
۱۵۲	قرائت از روی مصحف یا از حفظ
۱۵۲	مسئله فراموشی آیات و سوره‌های قرآنی
۱۵۵	مفهوم «قرائت و تلاوت» از دیدگاه آیات و روایات
۱۵۸	صوت حَسَن در بیان اهل بیت
۱۶۵	فصل سوم: آموزش و فراگیری زبان از نگاه دانش بشری
۱۶۶	فطری بودن زبان و زبان‌آموزی
۱۶۸	مروری بر مراحل زبان‌آموزی کودکان
۱۶۹	۱. رشد گویایی در دوره اول کودکی
۱۷۰	۲. رشد گویایی در دوره دوم کودکی و بیان نخستین جملات
۱۷۰	۳. درک نوزادان از ساختار اساسی زبان در هفت‌ماهگی
۱۷۱	آموزش سمعی در مقوله زبان و زبان‌آموزی
۱۷۲	اهمیت شنوایی در امر آموزش قرآن
۱۷۷	اهمیت زبان و کارکردهای آن

۱۸۷	فصل چهارم: آثار حمل قرآن
۱۸۷	دانستن «زبان قرآن»
۱۸۸	حمل قرآن کریم و توانایی مجموع‌نگری آن
۱۸۹	برداشت انتزاعی و جامع از سوره‌ها، سیاق‌ها و واژگان قرآنی
۱۹۵	حمل «ثقل اکبر» سند و ضامن استفاده صحیح از ثقل اصغر
۱۹۶	- نمونه‌هایی از ارجاع مضمون‌های مأثور از ائمه <small>علیهم‌السلام</small> به قرآن
۱۹۹	حمل قرآن و بهره‌گیری از موسیقی آسمانی قرآن کریم
۲۰۰	۱. نگاهی به سابقه موسیقی مذهبی
۲۰۲	۲. نوع موسیقی قابل قبول
۲۰۴	۳. بررسی اجمالی موسیقی چند سوره
۲۰۴	الف) سوره عادیات
۲۰۵	ب) سوره فیل
۲۰۵	ج) سوره قریش
۲۰۶	۴. گستره تأثیر زبان و موسیقی در زندگی انسان
۲۰۷	۵. نمونه‌ای از تأثیر جسمانی آوای قرآن کریم
۲۰۸	حمل قرآن و موضوع تصاویر زنده آن
۲۱۱	حمل قرآن کریم و مقوله‌ای به نام «معنادرمانی»
۲۱۷	حمل قرآن، تعلیم و تربیتی دائمی
۲۱۸	- علل پیدایش عقیده لزوم تعلیم و تربیت دائمی
۲۱۹	تکلم به زبان قرآن
۲۲۲	نمونه‌هایی از بهره‌گیری از اسلوب بیانی قرآن کریم
۲۲۳	- نمونه‌هایی از تکلم به زبان قرآن
۲۲۶	افزایش بهره عقلی و نیروی اندیشه
۲۲۷	حمل قرآن، حمل علم و حکمت الهی
۲۲۸	درآمیختگی قرآن با جسم و جان انسان
۲۳۷	خاتمه
۲۴۱	منابع و مأخذ
۲۵۳	نمایه آیات
۲۶۶	نمایه روایات
۲۶۹	نمایه اعلام
۲۷۲	نمایه کتاب‌ها

دیباچه

همان‌گونه که نگارنده در طلعه چاپ‌های پیشین این کتاب گفته، قرآن کریم، کلام خداست؛ این کتاب، به تعبیری همه چیز ماست و همه چیز این کتاب در گرو تعلیم صحیح آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آغاز نزول قرآن، آن را به بهترین وجه به جهانیان تعلیم داد و راه و رسم صحیح این تعلیم را پیش روی ما نهاد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حمل قرآن و مقوله قرآن‌دانی را ملاک فضیلت شمرد و «حَمَلَةُ قرآن» را بر دیگران برتری بخشید.

شیوه تعلیم و تربیت رسول خدا صلی الله علیه و آله مبتنی بر اصولی است که در قرآن کریم تجلی یافته‌اند. دانش نوین بشری نیز چندان که در آیات و روایات مرتبط، تیزبینی کند، خواهد توانست رهنمودهای تعلیمی و تربیتی فراوانی را بیابد. پیگیری صحیح و اجرای تعلیم قرآن کریم — که در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام متبلور است — ضامن اجرای احکام قرآن در جامعه و تحقق کارکردهای آن است؛ همان‌گونه که انحراف از صراط مستقیم آموزش قرآن — که در خلال نصوص و اخبار به ارث گذاشته شده است — تأثیر قرآن را با مانع مواجه ساخت و از آن قرآن زنده و حرکت‌آفرین، کتابی مهجور، با کشش و جاذبه کمتر بر جای خواهد ماند. ما امروزه این آسیب را نزد بسیاری از مخاطبان و علاقه‌مندان می‌یابیم.

شیوه آموزشی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از «اقراء» آغاز می‌شود و تا دریافت اشارات و لطایف پیش می‌رود. این شیوه، پیشرفته‌ترین و جدیدترین شیوه از یک‌سو (به دلیل غفلت از بخش‌های مهمی از آن) و قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین شیوه از سوی دیگر است (نظیر همان حالت که علامه طباطبایی رحمته الله درباره شیوه تفسیری خود در مقدمه تفسیر المیزان ذکر کرده است).

این اثر به‌طور عمده و در حدّ توان خود، این اهداف را تعقیب می‌کند: تحقیق و تبّع در جهت بازیابی اُسوهٔ حسنه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امر بنیادین تعلیم و تحفیظ قرآن کریم، ارزیابی

جستجوگرانه و بی‌غرض برخی شیوه‌های رایج در این زمینه‌ها و نیز دسته‌بندی و بررسی آیات و روایات در هر یک از مباحث. پاره‌ای از ابعاد آموزشی و تربیتی موجود در آیات و روایات که در گذر زمان با غفلت مواجه شده‌اند، بررسی و تحلیل خواهند شد، به این امید که چراغ راهی باشند برای مشتاقانی که خواهان گام نهادن در این مسیر به مدد رویه وحی و عقل‌اند. همچنین کوشش می‌شود در این اثر، برخی یافته‌های تجربی بشر نیز، به منظور تأکید بر آیات و روایات آورده شوند. همان‌گونه که «حمل قرآن» و «دانستن قرآن»، آداب و اصول خود را دارد، آثار و برکات خود را نیز دارد و بر جای می‌گذارد. نگارنده، به بررسی این آثار نیز می‌پردازد. آغاز نگارش، با سخنی در باب حفظ قرآن، به سال‌ها پیش بازمی‌گردد و بخش‌های مهمی از این اثر، حاصل سال‌ها خوشه‌چینی از خرمن فضیلت و معنویت استاد بزرگوار و قرآنی قرآن، محقق ارجمند، استاد محمدعلی لسانی فشارکی و نیز زنده‌یاد استاد علی‌اکبر غفاری است. خطابه علمی استاد دکتر لسانی در دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۷۴ش، با نام ضرورت بازنگری در شیوه‌های تعلیم و ترویج قرآن کریم، که پرونده صوتی آن همچنان در این زمینه الهام‌بخش و راهگشاست، شوری در نهاد گروهی از شاگردان در باب تعقیب و تدوین موضوع و گردآوری شواهد قرآنی و روایی و فقهی نهاد و به برون‌داد طرح پژوهشی ششصدصفحه‌ای با نام زبان قرآن انجامید. نگارنده از این طرح، که نقش دکتر مرادی زنجانی در تدوین آن ممتاز بود، در نگارش کتاب حاضر بهره برده است.

قدردان همه عزیزانی هستم که مرا در آماده‌سازی این کتاب، یاری رساندند؛ از جمله برادر گرامی، آقای مهدی موسلی که در تطبیق منابع، مرا کمک کرد و از همسر و فرزندان گرامی‌ام که سال‌هاست سختی‌های این‌گونه کارهای من را به جان خریدند. «جزاهم الله عن القرآن خیر الجزاء».

«رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

ابوالفضل خوش‌منش

مشهد مقدس، آذر ماه ۱۳۹۵ش؛ ربیع‌المولود ۱۴۳۸ق

مقدمه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^۱.

خدای متعال، قرآن کریم را بر خاتم پیامبران فروفرستاد و وی را به تلاوت قرآن بر بندگان و تعلیم کتاب و حکمت به آنان امر فرمود. حضرت رسول اکرم ﷺ به عنوان نخستین معلم قرآن کریم، آیات الهی را بر مردم می‌خواند و مؤمنان به تلاوت ایشان گوش جان می‌سپردند. آن حضرت، همیشه و در همه جا، به ویژه بر کرسی تعلیم قرآن، «اسوه حسنه» بوده، راهی حکیمانه را در تعلیم کتاب و حکمت می‌پیمود و روش و شیوه تعلیم قرآن را به نحو احسن، به طور نظری و عملی به یاران و پیروان خویش می‌آموخت. تعلیم قرآن از دیدگاه رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به طور کلی آموزش شیوه «با قرآن زیستن» بوده و قرآن بخشی از زندگانی و به بیان بهتر، متن زندگانی اهل قرآن را تشکیل می‌داده و پنهان و آشکار، دارای حضور همیشگی و تأثیر عینی خود بوده است. هدف پیامبر خاتم آن بود که قرآن، به عنوان خاتم‌الکتب در همه عرصه‌های زندگی انسان، از ابعاد فردی و جسمی او تا حیطه تعلیم و تربیت و پرورش روح، نقش مستمر و فعال داشته باشد.

«حیات قرآن» به معنای زنده بودن آن (جدا از حیات قرآنی) در همین عرصه‌ها معنای خود را می‌یافته است؛ قرآن امری جدا از زندگی انسان‌ها نبوده و مردم در مواجهه با آن، چه از لحاظ قرائت و چه از لحاظ فهم و عمل به آن، با انواع مشکلات دست به گریبان نبوده‌اند. کوشش پیوسته پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام فروفکندن پرده‌های مستور و غیر مستور میان انسان‌ها و قرآن بود تا همگان بتوانند به طور مستقیم از این کانون نور الهی بهره ببرند.

«اهل قرآن» کسانی هستند که بر سر خوان نعمت قرآن کریم، این «مائده و مأذبه الهی» حاضر می‌شوند و هر یک بر حسب ظرفیت خود از آن بهره می‌برند. در زبان احادیث، از «اهل قرآن» جدا

از همین اصطلاح، با این اصطلاحات نیز تعبیر شده است: «قاری قرآن»، «تالی قرآن»، «جامع قرآن»، «حامل قرآن»، «حافظ قرآن»، «معلم قرآن»، «فاتح قرآن» و «خاتم قرآن». وجود این تعبیرها و عنوان‌ها در متون حدیثی و تاریخی، هرگز به معنای تشکیل اصناف و گروه‌های جداگانه نیست و چنین نبوده است که به مث‌ل گروهی در صدر اسلام متولّی قرائت بوده باشند، گروهی دیگر متولّی حفظ قرآن و گروهی نیز مشغول تفسیر و مانند آن. «قاری قرآن» طبقه‌ای خاص با مهارت‌هایی ویژه نبوده و طبقه و گروهی به نام «قاری» وجود نداشته است؛ همان‌گونه که طبقه‌ای به نام مسلمان قرآن‌نخوان و قرآن‌ندان نیز نبوده است. مقصود احادیث از قرائت و تلاوت قرآن و «حمل قرآن»، اّتصاف به صفت رفیع «قرآن‌دانی» و انس نظری و عملی با قرآن است.

در این میان، اصطلاحی که جامعیت و اصالتی چشمگیر دارد، «حمل قرآن» است و ما این اصطلاح را به سبب اصالت و سهولتی که در آن است و به جهت توانی که در حمل بار معنایی دارد، معادل «روش صحیح تعلیم و تحفیظ قرآن مجید از دیدگاه قرآن، رسول اکرم ﷺ، اهل بیت ﷺ آن حضرت و مؤیدات علم بشری» برگزیده‌ایم.

این کتاب در پی آن است که از قرآن‌دانی و قرآن‌خوانی و نیز از فراگیری قرآن و روش‌های تعلیم و تحفیظ و ترویج آن سخن بگوید، آن‌گونه که صاحب قرآن می‌خواست؛ قصدی که اگرچه در اول آسان نمود، ولی مشکل‌های فراوانی در آن و بر سر راه آن افتاد. نگارنده چاره‌ای جز این نداشته که هرچند به اختصار، درباره برخی امور که امروز به این دو مقوله پیوند خورده‌اند، بلکه با آن یکی شده‌اند، سخن بگوید. چنین است که این اثر به مباحثی مرتبط با آموزش قرآن، آموزش زبان و نمونه‌های تاریخی مربوط به حفظ و حمل قرآن — با توجه به نقش این مباحث در تبیین دو اصطلاح یادشده — خواهد پرداخت.

گفتنی است نگارنده در اثنای تحقیق، «حمل قرآن» را گاه با تعبیر «حفظ و یا تحفیظ قرآن» به کار می‌برد. در فصل دوم کتاب تکیه بیشتر بر تبیین ابعاد و آثار «حمل قرآن» در پرتو قرآن و سنت است که حد اعلای قرآن‌دانی و هدف اساسی مکتب اسلام است، ولی تعبیر «حمل قرآن» در فصل نخست کتاب، کمتر به کار رفته است؛ زیرا فصل نخست، شامل نقل‌های تاریخی مربوط به «حفظ و تحفیظ قرآن» است که البته هم شامل موارد روشن و درخشان است و هم شامل موارد غیر اصولی و نیازمند تصحیح؛ به دیگر سخن، در مجموعه رفتار امت اسلام در زمینه آموزش و حفظ قرآن، غث و سمین درهم آمیخته‌اند. شماری از مسلمانان تربیت‌یافته، شایسته عنوان والای «حامل قرآن» اند و گروهی دیگر در حد «حافظ» به معنای مصطلح آن مانده‌اند؛ از

این رو، هر گاه «حفظ» در این نوشتار به کار رفته است، ناظر به مصطلح اخیر است و هر گاه از حفظ ستایش شده، مراد، حفظ نخست و تمهید «حمل قرآن» است. مقصود نگارنده در فصل پایانی برخلاف فصل نخست، همه جا به جدّ و حتم، «حمل قرآن» است؛ زیرا آثاری که در این فصل آمده‌اند، تنها از «حمل قرآن» و نه صرف «حفظ» آن برمی‌آید. نگارنده همچنین در تحقیقات میدانی خود با حافظان محترم قرآن، از ملیت‌های مختلف ملاقات و مصاحبه کرده و نزد آنان از آثار حمل قرآن سراغ گرفته است تا با بصیرت بیشتری درباره دو موضوع «حفظ» و «حمل» قرآن قلم بزند. ریشه «حفظ» در مقایسه با مفهوم «حمل» در کاربرد قرآن و حدیث دارای اصالت کمتری است و امکان دارد مفهومی به نسبت متأخر، و گاه از راه نقل به معنا در احادیث پدید آمده باشد.

در اینجا این نکته نیز گفتنی است که به دلیل ماهیت برخی مطالب در اثری با موضوع حاضر، امکان اکتفا به منابعی همانند کتاب‌های اصلی روایی شیعه یا اهل سنت نبوده، و گاه به میزانی محدود، ناگزیر از ذکر مطالبی بوده‌ایم که هنوز راه خود را به کتاب‌ها نیافته و در برخی نشریات انعکاس یافته‌اند. مطالبی درباره فعالیت‌های قرآنی در برخی کشورها در حال حاضر یا برخی مطالب علمی، نمونه‌هایی از این دست هستند.

گفتنی است نوشتار حاضر در پی تبیین و به دست دادن «شیوه‌های حفظ قرآن» به مفهوم مصطلح نیست؛ زیرا درباره آن کتاب‌های متعدّد در ایران و دیگر کشورهای اسلامی نوشته شده و می‌شوند و نگارنده نیز در گذر بیست سال ارتباط با مسائل فراگیری و حفظ قرآن، بیشتر آنها را تهیه و مطالعه کرده است. این کتاب‌ها در عین حال که تجربیاتی ارزشمند را در خود جای داده‌اند، گاه حاوی آموزه‌هایی هستند که با تعالیم قرآن و سنت و مبانی تعلیم و تربیت مغایرت دارند و از سوی دیگر، بر فرض صحّت و سلامت مطالب آنها، تضمینی برای عمومیت یافتن آن تجربیات وجود ندارد.

کتاب حاضر به هیچ وجه در پی انباشت دائرةالمعارف گونه اطلاعات مربوط به حافظان و قاریان قرآن نیز نیست و نقل‌های تاریخی این کتاب که حجمی را نیز به خود اختصاص داده‌اند، به صورتی گزینش شده و به قصد بررسی و تحلیل کارشناسی آورده شده‌اند. هدف نگارنده از نقل این مطالب، عینی و ملموس بودن آنها بوده و در پی یافتن مطالبی برگرفته از متن زندگی امروز و دیروز آحاد امت اسلامی است تا در اثرش به نقل کلیات و آموزه‌ها اکتفا نشود؛ از این باب که:

گفته آید در حدیث دیگران
درحقیقت نقد حال ماست آن

بہتر آن باشد کہ سر دلبران
بشنوید ای دوستان این داستان

نگارنده مناسب می‌داند در همین مقدمه، به نقل از آنچه در مقدمه زبان قرآن^۱ آمده، درباره نقد و تحلیل‌هایی که ناگزیر در این اثر یافت خواهد شد، بگوید: این نقد و تحلیل‌ها نیز بازتابی هستند صادقانه و مستقیم از تأسی به اسوه حسنه سنت پیامبر اکرم ﷺ و تمسک و توسل به عروة الوثقی مکتب اهل بیت ﷺ به منظور «احیای امر» خاندان نبوت، که در عین داشتن انگیزه نیرومند تبلیغ، به هیچ‌روی داعیه تحمیل یا توهین به یافته‌های دیگران و پیروان آنها را ندارد، و اگر گهگاه در اثنای مطالب، ایهامی از این قبیل مشاهده شود، هرگز از باب عصبیت و حمیت جاهلیت نیست؛ همچنان که حضرات معصوم ﷺ نیز از آنچه در این زمینه‌ها می‌فرموده‌اند، جز اصلاح و هدایت داعیه دیگری نداشته‌اند.

۱. لسانی فشارکی و مرادی، زبان قرآن (گزارش طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن کریم)، ص ۴.

فصل اول

مروری بر تعلیم و تحفیظ قرآن در گذر زمان

بررسی لغوی و اصطلاحی برخی مفاهیم کلیدی

۱. قرائت: قرائت از ریشه «قرء» به معنای «جمع» است. قرآن را قرآن نامیده‌اند به سبب جمع سوره‌ها و ضمّ و پیوند آنها؛ و چنین است که خداوند متعال فرموده است:
«إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ»^۱

۲. اقراء: اقراء قرآن، عبارت از خواندن قرآن بر کسی و واداشتن و ترغیب او بر قرائت قرآن است.^۲

۳. تحفیظ: تحفیظ از ریشه «حفظ» آمده است و واژه حفظ در لغت به معانی حراست، نگاهداری، جمع کردن، اندوختن و مانند آن به کار رفته است؛ چنان که کاربرد آن را در این سه آیه از سوره یوسف به ترتیب از زبان برادران حضرت یوسف، پدر و خود وی دیده می‌شود:

«أَرْسَلْنَاهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۳

«فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۴

«اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^۵

در قرآن کریم، «حفظ قرآن» به معنای مصطلح، یعنی اینکه شخصی با به خاطر سپردن آیات حافظ قرآن گردد، به کار نرفته است. «حافظه» نیز با این لفظ در قرآن کریم به کار نرفته، بلکه قرآن کریم از این دو مفهوم تعبیر خاص خود را دارد که همان «ذکر» است. مفهوم «ذکر» در قرآن

۱. قیامت، ۱۷-۱۹؛ رک: ازهری، تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۲۰۹ و نیز: جوهری، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه،

ج ۱، ص ۶۵.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۸۰.

۳. یوسف، ۱۲.

۴. یوسف، ۶۴.

۵. یوسف، ۵۵.

کریم نیز با مفاهیم و مباحث متعدد دیگر مرتبط، و لازم است در کنار آنها دیده شود؛ از این رو، مفهوم مورد اشاره در کنار مباحث مرتبط در فصل دوم بررسی شده است.^۱

مفهوم «حفظ» کتاب الهی، از سوی امم در خصوص «تورات»، و مفهوم «حفظ قرآن» از سوی خداوند، به ترتیب به شرح ذیل به کار رفته است:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ
وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً»؛^۲

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».^۳

در آیه نخست تصریح می‌شود که «حفظ» کتاب الهی از یهود خواسته شد، و انبیا و علمای یهود به آن حکم کردند و «گواهان» بر تورات بودند.^۴ نگاهی به واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که حفظ تورات در زمان حضور پیامبران بنی‌اسرائیل صورت گرفته، اما پس از آن ادامه نیافته و اصل تورات از میان رفته یا در معرض انواع تحریفات لفظی و معنوی قرار گرفته است. خداوند نسبت میان بسیاری از یهود و اسفار را در آیه پنجم سوره جمعه شرح می‌دهد، و به تصریح آیه نهم سوره حجر، حفظ «خاتم‌الکتب» را تنها بر عهده خود بیان می‌کند.

۴. حمل: مفهوم «حمل» در قرآن کریم، هم برای امور مادی و هم برای امور معنوی به کار رفته است:

«وَتَحْمِلُ أُنْقَالِكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ»؛^۵

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * وَلِيَحْمِلْنَ أُنْقَالَهُمْ وَأَتْقَالًا مَعَ أُنْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ».^۶

مفهوم «حمل کتاب آسمانی» و «حمل قرآن» در آیات و روایات به کار رفته است. مفهوم لغوی حمل، با خود بردن، دربر داشتن، به همراه داشتن و... است و حامل قرآن کسی است که قرآن را با خود دارد و به هر جا که می‌رود، قرآن با اوست. روشن است که مقصود از همراهی با قرآن و همراه داشتن آن، صرفاً وجود الفاظ و عبارت‌های قرآن در حافظه انسان نیست، بلکه قرآن این حالت را سخت نکوهش می‌کند:

۱. ر.ک: ص ۱۵۵ به بعد.

۲. مائده، ۴۴.

۳. حجر، ۹.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۴۳.

۵. نحل، ۷.

۶. عنکبوت، ۱۲ و ۱۳.

«مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِسْمِ مَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۱

به موجب نصّ این آیه شریفه، حمل نکردن کتاب آسمانی به معنای «تکذیب» آیات الهی — نه تنها عمل نکردن به آنها — و سرانجام مصداقی بارز از «ظلم» خواهد بود.

«حامل قرآن» در مکتب رسول اکرم و اهل بیت علیهم السلام دارای جایگاهی بسیار رفیع است که در فصل دوم و نیز فصل پایانی، پاره‌ای از اوصاف و ویژگی‌های او از نظر خواهد گذشت. جهت گزینش تعبیر یا ترکیبی فارسی، معادل «حامل قرآن»، می‌توان ترکیب «قرآن‌دان» را اختیار کرد، با هر دو معنایی که این ترکیب می‌تواند داشته باشد: قرآن‌دان به معنای عالم و دانای قرآنی و کسی که علم قرآن دارد، و نیز به مفهوم کسی که قرآن در اوست، با عنایت به مفهوم ظرفیت در پسوند «دان» در زبان فارسی؛ همانند عطردان و گلاب‌دان؛ چنان که «دانش» نیز در نهایت از همین ریشه و به معنای حمل علم در قلب است.^۲ در فصل دوم، تعبیرهای متعدد قرآنی و روایی را درباره لزوم راهیابی قرآن به قلب و چگونگی آن خواهیم دید.^۳

جدا از مفاهیم قرائت و حمل، مفهوم «جمع» نیز در زمینه حفظ قرآن به چشم می‌خورد و در اخبار و آثار، نام شماری از صحابه دیده می‌شود که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه قرآن را جمع کردند و برخی، بخشی از آن را در زمان ایشان جمع و باقی را پس از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله کامل کردند. ابن ندیم در فهرست خود ذکر کرده است که جامعان قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، سعد بن عبید بن النعمان بن عمرو بن زید، ابوالدرداء عویمر بن زید، معاذ بن جبل بن اوس، ابوزید ثابت بن زید بن النعمان، ابی بن کعب بن قیس ملک امرؤالقیس، عبید بن معاویه و زید بن ثابت بوده‌اند.^۴

۱. جمعه، ۵.

۲. درباره برخی کاربردهای این ریشه، ر.ک: تبریزی، برهان قاطع، ج ۲، ص ۸۱۸.

۳. ر.ک: فصل دوم، «قلب انسان، جایگاه شایسته قرآن کریم».

۴. ابن ندیم، کتاب الفهرست، ص ۴۷. بدیهی است، همان‌گونه که علامه طباطبایی در مقدمه المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، مقدمه، ص ۴)، در خصوص امر تفسیر قرآن کریم و برشماری گروه‌های مفسران تصریح می‌کند، در وادی قرائت و حفظ قرآن کریم، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، حضرت فاطمه زهرا و دیگر ائمه علیهم السلام، حساسی جداگانه دارند.

مصحف و ترتیب آسمانی آن

با توجه به اشاره‌ای که در پیشتر به موضوع «حفظ قرآن» و «جمع» آن شد و نظر به جایگاه مبنایی بحث ترتیب قرآن در امر فراگیری قرآن کریم، اختصاص بحثی کوتاه و گذرا به مسئله ترتیب و نظم درونی قرآن در همین آغاز سخن لازم است. در سطور پیشین از «حفظ و جمع» قرآن سخن گفته شد؛ این حفظ و جمع، بیشتر ناظر به سپردن قرآن به سینه بود. ما با معنای مشهور حفظ و جمع قرآن، یعنی ثبت و تدوین آن نیز آشناییم و نمی‌توانیم از «حفظ و جمع» قرآن در سینه سخن بگوییم و کاری با سابقه جمع قرآن به معنای ثبت و نگارش آن، نداشته باشیم.

نگارنده با توجه به تجربه محدودی که در امر تعلیم و تعلم قرآن کریم دارد، بیان این نکته را لازم می‌داند که قرآن‌آموز باید مسئله جمع و نگارش و تدوین توفیقی قرآن کریم را به‌طور روشن و مستدل برای خود حل کند و اگر بخواهد در این کتاب عاری از شک، با شک و تردید پیش برود و داستان جمع و تدوین قرآن کریم را امری تصادفی، یا فاقد اهمیت تلقی کند، افزون بر سطحی‌نگری به جایگاه قرآن، بعدها نیز در فهم مراد آیات و سوره‌ها و نیز کشف نظم و ارتباط میان آیات قرآن دچار اشکال‌ها و تناقض‌های جدی خواهد شد و جمال قرآن کریم نیز برای وی چندان جلوه‌گری درخوری نخواهد داشت. شرط جاودانگی قرآن، ثبت و تدوین دقیق آن بود و پیامبر ﷺ از نخستین مراحل تبلیغ و رسالت، موضوع تعلیم و تعلم را مطرح ساخت و راه‌های گوناگونی را تدارک دید که برخی از آنها را ذیل عنوان انگیزه‌های روی‌آوری به حفظ قرآن کریم، از نظر گذرانندیم.

ترتیب آیات مختلف در سوره‌های قرآن، با راهنمایی وحی الهی و اشراف مستقیم پیامبر اکرم ﷺ انجام گرفت، بی‌آنکه صحابه در این امر، دخالت یا نقشی مستقل داشته باشند و خداوند متعال ناظر به همین نکته فرموده است: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ».^۱ به تصریح این آیه، ترتیب و جمع‌آوری قرآن به همان اندازه کار الهی بود که قرائت آن از سوی رسول اکرم ﷺ. قرآن تنها این حقیقت را تأیید و تأکید نمی‌کند که این کلام خداست، بلکه به این واقعیت نیز اشعار دارد که ترتیب و تدوین آن نیز با وحی الهی صورت گرفته است. به علاوه، روایاتی فراوان از پیامبر اکرم ﷺ جای آیات را با دادن نشانی دقیق در قرآن معین ساخته‌اند؛ چنان که حضرت به مناسبتی فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْآيَاتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ كَفْتَاهُ».^۲

۱. قیامت، ۱۷ و ۱۸.

۲. «هر که دو آیه پایانی سوره بقره را قرائت کند، وی را کفایت خواهند کرد» (بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۲۴۲).

و نیز: «مَنْ حَفَظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ عَصِمَ مِنَ الدَّجَالِ».^۱

روایتی دیگر به خوبی نشان‌دهنده وجود گروه‌های سوره‌ای در زمان حضرت رسول، مصطلح بودن آنها در کلام آن حضرت و مفهوم بودن اصطلاح‌ها و طول سوره‌ها در نظر اصحاب است:

مردی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا، بر من اقراء کن». پیامبر به وی فرمود: «سه سوره از سوره‌های "الف لام راء" بخوان». مرد گفت: سن من زیاد گشته، قلب من قساوت یافته و زبانم سخت شده است. پیامبر فرمود: «سه سوره از سوره‌های دارای "حامیم" را بخوان». مرد سخن نخست خویش را تکرار کرد. حضرت فرمود: «سه سوره از سوره‌های مسبّحات را بخوان». مرد سخنی همانند سخن نخست به زبان آورد و افزود: یا رسول الله، مرا سوره‌ای جامع فضایل اقراء کن که من آن را بخوانم. پیامبر سوره زلزال را تا آخر آن بر وی اقراء فرمود. مرد گفت: قسم به آنکه تو را به حق مبعوث فرمود، بیش از این نمی‌خواهم و رفت. پیامبر فرمود: «این مرد رستگار شد، این مرد رستگار شد».^۲

پیامبر اکرم ﷺ اندکی پیش از رحلت، به امیر مؤمنان علیه السلام وصیت فرمود که آن قرآن نگاهشته شده را که (به علت نزول احتمالی برخی آیات) هنوز در یک مجلد درنیامده بود و به سخن دیگر، تنها صحافی آن باقی مانده بود، در یک مجلد قرار دهد که علی علیه السلام طی سه روز این کار را انجام داد. بدیهی است که اگر قرآن کریم نگاهشته نمی‌بود، جمع آن در آن مدت کوتاه غیر ممکن می‌بود.^۳

۱. «هر که ده آیه از آغاز سوره کهف را حفظ کند، از فتنه دجال در امان خواهد بود» (مسلم، الجامع الصحیح، باب فضل سورة الکهف).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷.

۳. هرچند همان‌گونه که علامه جلال‌الدین سیوطی در جلد دوم کتاب الاتقان فی علوم القرآن، ضمن بحث از مناسبت آیات و سور نقل می‌کند، ظاهر چینش کنونی قرآن و نظم میان سوره‌ها، به روشنی می‌نمایاند که جمع قرآن کریم، توقیفی و صادر از سوی خداوند حکیم بوده است. جدا از آنکه اجماع قریب به یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون مسلمان در بیش از چهارده قرن و بیش از ۲۰۰ هزار نسخه خطی قرآن کریم در جهان اسلام و بیش از یک میلیارد نسخه چاپی نیز چیزی جز همین قرآن متعارف متداول را به نظر نمی‌آورد، اما باز برای دیدن برخی استنادها و استدلال‌ها و درنهایت، تحلیل‌ها در باب جمع قرآن کریم در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تحت اشراف ایشان و توقیفی بودن چینش آیات و سوره‌ها و مطابقت شکل و چینش آنها با آنچه در لوح محفوظ است، می‌توان به این مأخذ مراجعه کرد: موسوی خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۹؛ حسن‌زاده آملی، فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب، ص ۱۹، ۲۶، ۲۸، ۵۸ و ۶۰. آیت‌الله حسن‌زاده، از آنچه در کتاب آورده، به عنوان «اصل قویم، اصلی که قوام و دوام دیگر اصول بدان است» یاد می‌کند. ایشان در این کتاب همچنین از توقیفی بودن رسم المصحف سخن می‌گوید. مرعشی نجفی، القبول الفاصل فی الرد علی مدعی التحریف، ص ۲۴، ۳۰، ۳۲، ۴۱ و ۵۶؛ صبحی صالح، مباحثی در علوم قرآن، ص ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۹؛ عطار، موجز علوم القرآن، ص ۱۷ و ۲۷؛ شاهین، تاریخ القرآن، ص ۳۹؛ صابونی، التبیان فی علوم القرآن، ص ۴۵؛ میرمحمدی زرنندی، تاریخ و علوم قرآن، ص ۱۰۷ و ۱۲۰؛ خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ص ۷۲؛ جلالی نایینی، تاریخ جمع قرآن

پس از چند روز علی رضی الله عنه، عمر و ابوبکر نیز هر یک به نوعی به جمع قرآن دست زدند و در زمان عثمان نیز بر همان شکل، صورت و خصوصیت، «مصحف امام» فراهم آمد و به مناطق اسلامی ارسال شد. هنگام فراهم کردن مصحف امام، غالب اصحاب پیامبر، به ویژه مسلمانان اولیه هنوز زنده بودند و کوچک‌ترین تغییری در ترتیب آیات و کلماتش داده نشد و امکان آن نیز از اساس وجود نداشت. کار ابوبکر، عمر و عثمان، کاری دولتی بود و پس از آنان نیز خلفای اسلامی، در طول قرن‌ها، هر یک به تهیه مصحف دولتی و ارسال آن به دیار و نواحی اقدام می‌کردند.

زاممداران و والیان بعدی نیز برای گره زدن نام خود به قرآن، دست به برخی «کارهای قرآنی» می‌زدند. از حجاج بن یوسف ثقفی گرفته تا زمان معاصر که چاپ و نشر و ارسال مصاحف را از سوی دولت‌های عربی و غیر عربی از حرکت باز نایستاده است؛ و البته امام خمینی رضی الله عنه نیز در وصیتنامه خود این موضوع را از زاویه‌ای خاص مورد توجه قرار می‌دهد و چاپ و نشر قرآن از سوی دولت‌های اشاره شده را دسیسه‌ای برای خارج کردن قرآن از صحنه می‌خواند.

در زمان عثمان هیچ فرقه و دسته و فردی به «ترتیب» قرآن ایراد نداشت و همه مسلمانان قرآن را به تمام و کمال قبول داشتند؛ همان‌گونه که در چهارده قرن گذشته، فرقه‌های اسلامی درباره قرآن متفق‌القول بوده و این کتاب الهی را از هر گونه تغییر، تبدیل و تحریف مصون و محفوظ داشته‌اند.

اعتراض برخی از اصحاب به کار عثمان از جهت ترتیب قرآن نبود؛ بلکه از آن روی بود که آنان حاضر نبودند مصحف خود را که عزیزترین موجودی نزد آنها بود در اختیار کسی بگذارند که مصحف‌های شخصی و از نگاه خودش مصحف‌های اضافی را سوزانده و «حراق المصاحف» لقب گرفته بود. خلیفه سوم گفت: «این مصاحف باید سوزانده شوند»، صحابی جلیل، عبدالله بن مسعود می‌گفت: «چنین مصلحتی وجود ندارد و این کار اهانت به قرآن خواهد بود». به علاوه

کریم، ص ۱۲۸ و ۱۲۹. آری، برخی نیز با تمسک به پاره‌ای اخبار دارای ضعف‌های متعدد و در قالب‌هایی نو، موضوع جمع و تدوین قرآن کریم را از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله خارج کرده، به زمان خلفا رسانده‌اند. یکی از این افراد رژی بلاشراست که نام و آوازه‌ای نیز در باب مطالعات اسلامی و قرآنی در غرب دارد (استاد سابق دانشگاه سورین، مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی آکادمی پاریس، عضو فرهنگستان‌های قاهره و دمشق و عضو انستیتو دو فرانس و نویسنده پاره‌ای مقالات دائرةالمعارف اسلامی و مترجم قرآن کریم). این مسیحی مترجم قرآن، در ترجمه سوره نجم، «آیات مجعول موسوم به غرائق» را نیز آورده است (ر.ک: Blachère, *Le Coran, Traduit de l'Arabe*, p.561). نمونه‌های دیگر از این‌گونه کوشش‌ها را در کار امثال نولدکه و گلدزیهر می‌توان یافت (ر.ک: غزالی مصری، محاکمه گلدزیهر (گلدتسیهر) صهیونیت، ص ۲۷، ۳۳، ۸۴ و ۸۵؛ بلاشر، در آستانه قرآن، ص ۳۱ و ۳۴).

راه‌های آسان‌تری نظیر دفن مصحف‌ها در زمینی پاک یا غرق کردن آنها در آب وجود داشت. باری، ابن مسعود مصحف خود را تا آخر هم نداد و بر سر همین داستان نیز کشته شد.^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام به اتفاق همه صحابه ترتیبی اختیار کرد که از ترتیب نزول تاریخی وحی جدا نبود و اگر امام ترتیب نزول تاریخی وحی را ارجح می‌دانست، بی‌تردید همان را — دست‌کم در زمان خلافت خویش — اجرا و معمول می‌فرمود، ولی امیر مؤمنان نه در زمان حاکمیت ابوبکر، عمر و عثمان و نه در زمان خلافت خویش، مسلمانان را به ترتیب تاریخی نزول آیات به جای ترتیب کنونی آنها نخواند. تنها یک روایت بیانگر آن است که مصحف حضرت امیر مؤمنان بر طبق ترتیب تاریخ نزول قرآن فراهم آمده بود که در صحت آن نیز تردیدهای متعدد وجود دارد. بدون شک، حرمت و اهمیت قرآن کریم بسی بیشتر از اموال بیت‌المال بود که امیر مؤمنان علی علیه السلام تصریح و اعلان کرد: «اگر این اموال، مهر زنان نیز شده باشد، آن را واخواهم ستاند».^۲

نه تنها امیر مؤمنان که هیچ‌یک از ائمه اطهار علیهم السلام که پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان عمر مبارک حضرت امام حسن عسکری علیه السلام قریب به ۲۵۰ سال در جامعه اسلامی حضور و بیشترین اهتمام را نسبت به هر کس دیگر به ناموس نخست آیین، یعنی کلام خدا، داشتند، کوچک‌ترین قدمی را مغایر با سیره رسول گرامی اسلام، چه در آموزش قرآن و چه در جمع و تدوین و کتابت آن، برنداشتند و حتی قرآن کریم را به قرائات گوناگون — با آن سبک‌های ابداعی قرآء — نخواندند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخستین معلم قرآن کریم

زیباترین صحنه‌های تاریخ اسلام را می‌توان حوزه‌ها و جلسات تعلیم قرآن کریم در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست؛ جلساتی که اساس همه فضایل و ارزش‌های اسلامی پدید آمده در عصرهای پس از خود بودند. تاریخ‌ها و سیره‌ها، صحنه‌هایی فراوان از این دست را ضبط کرده‌اند که ایجاد

۱. در این زمینه نقل و تحلیل‌ها را ر.ک: حسینی جلالی، *دراسة حول القرآن الکریم*، ص ۱۲۱-۱۲۷؛ حسینی تهرانی، مهر تابان، ص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ به نقل از: علامه طباطبایی علیه السلام.

۲. موضوع مصحف حضرت امیرالمؤمنین و عدم تفاوت آن با مصحف کنونی در کتابی مستقل به تفصیل بررسی شده و اوصاف آن در بخش‌های مختلف آمده است؛ از جمله اینکه در بخش چهارم کتاب مورد اشاره، عدم تفاوت آن با مصحف رایج و موجود اثبات شده و برخی روایات که به نحوی از موافقت تدوین مصحف با ترتیب نزول سخن گفته‌اند، مورد نقاش و علاج قرار گرفته‌اند (ر.ک: ایازی، *مصحف امام علی علیه السلام*، سراسر کتاب). در تأیید آنچه گفته شد، سخن و تحلیلی از امام خمینی علیه السلام را نیز می‌توان دید (ر.ک: خمینی (امام)، *صحیفه نور*، ج ۲، ص ۲۲۹).

ارتباط منطقی میان آنها و قرار دادن آنها در اختیار کارشناسان لجنه‌های تخصصی و میان‌رشته‌ای (زبان‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت در کنار علوم قرآنی و تفسیر) امکان بازسازی صحنه‌هایی فراوان‌تر را به دست خواهد داد؛ صحنه‌هایی که سرشار از روش‌های آموزشی، تربیتی و روان‌شناختی است. آیه دوم سوره جمعه، وظایف سه‌گانه پیامبر اکرم ﷺ را در هدایت امت برمی‌شمارد که از این میان، «تلاوت آیات» جایگاه نخستین و موضوعیت تام را داراست، در عین حال که تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت نیز همگام و همزمان با آن است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۱.

کیفیت قرائت و اقراء پیامبر اکرم ﷺ

در یک کلام می‌توان گفت شیوه تلاوت پیامبر اکرم ﷺ عبارت بود از: «ترتیل آیات قرآن». حضرت بر مبنای «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۲ آیات را به شیوه «ترتیل» می‌خواندند. اما «ترتیل» در مکتب پیامبر اکرم ﷺ معنای خاصی دارد که با آنچه ما امروزه به عنوان «تلاوت ترتیل» می‌شناسیم، متفاوت است. در روایات آمده است که پیامبر اکرم ﷺ قرآن را بسیار زیبا، واضح،^۳ آرام و آهسته می‌خواندند، به گونه‌ای که گویی تلاوت یک سوره متوسط به اندازه خواندن یک سوره بلند به طول می‌انجامید.^۴ برخی اصحاب، تلاوت ایشان را کشیده همراه با مدّ توصیف کرده‌اند.^۵ این آرام خواندن و پرهیز از شتاب در تلاوت آیات، مجالی را فراهم می‌آورد که صحابه همه حروف و کلمات و حرکات را کاملاً آشکار و واضح تلاوت کنند، به گونه‌ای که هر شنونده‌ای بتواند به‌آسانی و به‌طور کامل، حروف، حرکات و کلمات را بشناسد و حتی بشمارد و اگر خواست، تکرار کند و به خاطر سپارد.^۶ این تلاوت حرف‌به‌حرف و کلمه‌به‌کلمه، بسیار ساده و حتی از آهنگ و نغمه نیز پیراسته بود.^۷ حضرت بر سر همه آیات، وقف و مکث

۱. جمعه، ۲.

۲. مزمل، ۴.

۳. هر یک از این موارد سهمی بسزا و بارز در امر تعلیم صحیح و ثمربخش قرآن کریم داشته است. تأثیر این موارد و حکمت‌های آموزشی نهفته در آنها را در بحث‌های آینده خواهیم دید.

۴. قرطبی، التذکار فی افضل الاذکار، ص ۱۷.

۵. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۳۲؛ ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ج ۱، ص ۲۰۸؛ سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۳۳۴.

۶. سخاوی، همان، ص ۲۷۶ و ۳۳۴؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۷.

۷. قرطبی، همان.

می‌کردند.^۱ تلاوت ایشان لبریز از خشیت الهی بود و هر شنونده‌ای را متوجه «کلام الله» بودن قرآن می‌کرد. گاه نیز در خلوت و در جایی که مقام تعلیم و ترویج قرآن مطرح نبود، مانند نیمه شب و در منزل خود، یا در سفر و بر مرکب خویش، آیات را با آهنگی ساده و متناسب با شأن کلام خدا می‌خواندند.^۲

نوع آموزش و یاددهی این «معلم اول» و این مشوق خستگی‌ناپذیر فراگیری و آموختن، از نوع «آموزش بزرگسالان و اکابر» بود و چنان به آنان قرآن و علم و حکمت می‌آموخت که گویی کودکان در مکتبخانه‌ها سرگرم یادگیری‌اند. آموزش قرآن، سنگ بنای همه تعالیم او و در نقطه کانونی آنها بود. آنچه او می‌آموخت و نیز شیوه آموختن او تا قرن‌ها مورد توجه امت در سراسر جامعه اسلامی قرار داشت.^۳

الف) یک تقسیم‌بندی روایی

برای تبیین بهتر کیفیت تلاوت رسول اکرم ﷺ، روایات فراوان وارد شده در این باب را دسته‌بندی می‌کنیم:
 ۱. دسته‌ای از روایات که تلاوت آن حضرت را تلاوتی با بیان واضح و روشن حروف و کلمات معرفی می‌کنند، به نحوی که هر شنونده‌ای می‌توانست تک‌تک حروف و کلمات قرآن را به‌طور کامل تشخیص دهد و حتی آنها را بشمارد: «نَعَتَتْ أُمَّسَلَمَةَ قِرَاءَةَ رَسُولِ اللَّهِ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً»؛^۴ «كَانَتْ قِرَاءَتُهُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا».^۵

«قِرَاءَتِ مُفَسَّرَةٍ» یعنی قرائتی که حروف در آن روشن و آشکار است و هیچ‌گونه پیچیدگی و درهم رفتن آوای حروف در آن دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، ایشان همیشه به صورت قولی و عملی تشویق می‌کردند که همگان قرآن را همین‌گونه «آرام و شمرده‌شمرده» تلاوت کنند. آن حضرت از کسانی که قرآن را این‌گونه می‌خواندند، تجلیل می‌کرد تا الگویی برای دیگر صحابه باشند. آن حضرت این‌گونه قرآن خواندن را خواندنی توصیف می‌کرد که کاملاً تر و تازه است؛ گویی هم‌اینک به قاری نازل می‌شود. یکی از آن افراد مورد اشاره، عبدالله بن مسعود است: «إِنَّ

۱. سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ص ۲۳۴. ۲. سخاوی، همان، ص ۲۷۶ و ۳۳۴.

۳. در این باره ر.ک: منیرالدین، نهاد آموزش در اسلام، ص ۴۶ و ۴۷. نسایی روایتی زیبا آورده که تصویر عینی نمونه اقراء پیامبر اکرم ﷺ بر اصحاب است. این روایت در همین فصل ذیل عنوان «کتاب آموزشی قرآن» آمده است.

۴. سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۲۷۶؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۳۲؛ ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ج ۱، ص ۲۰۸. ۵. سخاوی، همان، ص ۲۴۴.

۶. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۲۴.

رَسُولَ اللَّهِ مَرَّ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَهُوَ يَقْرَأُ حَرْفًا حَرْفًا، فَقَالَ: مَنْ سُرَّه أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ فَلْيَقْرَأْ عَلَى قِرَاءَةِ ابْنِ مَسْعُودٍ.^۱

۲. دسته‌ای از روایات که تلاوت پیامبر را تلاوتی کشیده و بسیار آرام وصف کرده‌اند، به گونه‌ای که همه کلمات، با مدّ به نظر می‌رسیدند، برای مثال در خواندن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» کلمات «اللّه» و «الرحمن» و «الرحیم» را می‌کشید.^۲

۳. دسته‌ای از روایات که تلاوت نبوی را از جهت بالایی و پایینی صوت، حد وسط میان «فریاد زدن» و «نجوا» بیان کرده‌اند: «إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ بِالْخَفِيَّةِ وَلَا بِالرَّفِيعَةِ».^۳

همان‌گونه که خداوند متعال در سوره اسراء — سوره تسبیح و وحی و قرآن و نماز — به رسول اکرم امر فرمود: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا».^۴

۴. دسته‌ای از روایات اند که می‌گویند حضرت در آخر آیات مکتب و وقف می‌کرد: «كَانَ النَّبِيُّ يَقَطِّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً».^۵

پیامبر اکرم تنها به وقف خود بر سر آیات اکتفا نمی‌کرد، بلکه تعلیم این موضوع مهم، یکی از ارکان تعلیم قرآن از سوی ایشان بوده است. در روایتی از بعضی اصحاب آمده است: «كُنَّا نَتَعَلَّمُ الْوُقُوفَ كَمَا نَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ».^۶

پس از حضرت رسول اکرم، امیر مؤمنان حفظ وقوف را یکی از دو رکن ترتیل (به معنای قرآنی آن) دانسته و فرمودند: «التَّرْتِيلُ تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَحِفْظُ الْوُقُوفِ»^۷ و «التَّرْتِيلُ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ وَتَجْوِيدُ الْحُرُوفِ».^۸

۱. «رسول خدا ﷺ بر عبدالله بن مسعود گذشتند، در حالی که او قرآن کریم را به صورت حرف‌به‌حرف قرائت می‌کرد، حضرت فرمود: هر که می‌خواهد قرآن را آن‌گونه بخواند که نازل شده است، آن را به روش ابن مسعود بخواند» (نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۲۸).

۲. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۳۲.

۳. سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۳۳۴.

۴. اسراء، ۱۱۰.

۵. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۱۵؛ سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۳۳۴.

۶. «همان‌گونه که قرآن را فرامی‌گرفتیم، وقف‌ها را نیز می‌آموختیم» (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۲۸، ج ۱، ص ۲۱۵). در خصوص اهمیت موضوع وقف و ابتدا در قرائت رسول اکرم ﷺ نیز رک: زرکشی، همان، ص ۵۱.

۷. ابن جزری، درآمدی بر علم تجوید، ص ۵۵. تفصیل این شیوه قرائت را قرطبی از ام سلمه آورده است: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۰.

۸. ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ج ۱، ص ۲۲۴.

۵. روایاتی هستند که بیانگر تأثر، حزن و تحزّن آن حضرت به هنگام تلاوت قرآن‌اند: «رأيتُ رسولَ الله يُصَلِّي ولصدره أزيزٌ كأزيزِ المرجلِ من البكاء».^۱
۶. روایاتی داریم که تلاوت معصوم را به گونه‌ای تبیین می‌کنند که گویی کسی را مخاطب قرار می‌داده و گویی پیامی را به کسی می‌رسانده است: «فكانه يُخاطبُ انساناً».
۷. دسته‌ای از روایات که تلاوت مددار و کشیده آن حضرت را خالی از ترجیع و تطریب بیان می‌کنند: امیر مؤمنان فرمود: «كان النبي ماداً ليس له ترجيع»^۲ و از انس روایت شده است: «إن النبي كان لا يرجع»^۳ و قرطبی نقل می‌کند: «[قراءة النبي] ليس فيها تلحين ولا تطريب».^۴
۸. دسته‌ای از روایات که صوت آن حضرت را صوتی حسن معرفی می‌کنند: حضرت علی عليه السلام فرمود: «كان النبي حَسَنَ الصَّوْتِ».^۵
- در تفسیر عیاشی از امام باقر عليه السلام روایت شده است: «إن رسول الله كان احسن الناس صوتا بالقرآن».^۶
۹. روایاتی هستند که در تلاوت آن حضرت، «ترجیع» را برمی‌شمارند: هانیه — بنت ابی طالب — روایت می‌کند: «كنت اسمع قراءة النبي وانا نائمة على فراشي، يرجع بالقرآن».^۷
- اما مقصود از «صوت حسن» چیست؟ اگر به روایات و سیره نبوی مراجعه کنیم و تفسیر «صوت حسن» و معنای «زیبایی» در تلاوت قرآن را از این مکتب جويا شویم، به بیان‌های روشن و واضحی از صوت حسن بر خواهیم خورد که ملاک و معیار «صوت نیکو» را در قرائت قرآن بیان کرده‌اند. به این موضوع در فصل پایانی کتاب حاضر پرداخته شده است.

۱. «حضرت را در حال نماز دیدم و از سینه ایشان صدای گریه، همانند صدای جوشش دیگ می‌آمد».

۲. «پیامبر صلی الله علیه و آله در قرائت خود حروف را می‌کشیدند و قرائت ایشان خالی از چرخ دادن صدا در گلو بود».

۳. «پیامبر صدا را در گلو چرخ نمی‌دادند» (سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۳۴۴).

۴. «قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله خالی از آرایه‌های لحنی و طرب‌آفرینی بود» (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۱۰-۱۷. نیز تحلیلی جامع را بنگرید در: مرکز الثقافة والمعارف القرآنية، علوم القرآن عند المفسرين، ج ۲، ص ۳۱۱ و ۲۴۲-۲۹۰).

۵. «رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوش صدا بود» (سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۳۳۴).

۶. «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیکوترین صوت را در قرائت قرآن داشت» (طباطبایی، سنن النبي، ص ۳۰۸).

۷. «در بستر خود آرمیده بودم و به قرائت پیامبر گوش فرامی‌دادم و حضرت قرآن را توأم با ترجیع می‌خواند» (سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۲۳۴).

ب) اهمیت شناخت مواضع وقف

در اینجا، ذیل ویژگی‌های قرائت رسول اکرم ﷺ، با تأکیدی بر مسئله وقف می‌گوییم: امروزه در مجالس قرائت قرآن بارها دیده شده است که قاریان بدون توجه به مسئله وقف و بدون یادگیری وقوف متواتر و مستند به سیره نبوی، به قرائت قرآن مبادرت می‌ورزند و وقف و وصل‌های بی‌مورد در قرائت آنها فراوان است، ولی امروزه چنین چیزی در نظر برخی قاریان ارجمند کمرنگ شده است. شماری از قاریان کشورهای دیگر نیز که به ایران می‌آیند، گاه برای اینکه به قرائت خود «سبک» بدهند، طرز غریبی را در مسئله وقف و ابتدا اختیار می‌کنند. حال آنکه وقف، استخوان‌بندی تلاوت قرآن و نحوه رعایت آنها نیازمند تعلیم و تعلم است. این موضوع از دیرباز مورد توجه علمای اسلام و «معرفة الوقوف» در طول قرن‌ها مورد تأکید قاریان قرآن بوده است و حتی ابن جزری قول وجوب را از برخی علمای عامه در خصوص آن نقل کرده است.^۱ موضوع معرفة الوقوف، نگارش کتاب‌های مستقلی را به خود اختصاص داده است که از آن جمله می‌توان از کتاب «سجاوندی» یاد کرد. وی در این کتاب، تمام مواضع وقف مطرح در سیره نبوی را از آغاز تا آخر قرآن ذکر می‌کند. راه ساده شناسایی مواضع وقف، مراجعه به قرآن‌های قدیمی و نیز اغلب مصاحف با رسم‌الخط ایرانی یا پاکستانی است. با شناخت مواضع وقف، به‌خصوص وقف مطلق که علامت آن حرف «ط» است، باید آنها را بیشتر مورد توجه قرار داد. با تأسف باید گفت در قرآن‌هایی که در قرن اخیر در بعضی کشورهای عربی و به تبع آن در ایران بارها تجدید چاپ شده‌اند، دیده می‌شود که این علائم اصیل حذف شده و از علائم ابداعی «صلی»، «قلی» و «م» و... استفاده شده است.^۲

نظام اقراء و استقراء در روش پیامبر اکرم ﷺ

روش آموزش قرآن در مکتب پیامبر اکرم ﷺ «روش آموزش سمعی» است؛ به این معنا که ماهیت و ساختار اصلی آموزش قرآن «شنیدن و تکرار پس از شنیدن» است. قرآن‌آموز هرچه را که می‌خواهد بیاموزد، ابتدا و پیش از آنکه با نوشته آن روبه‌رو شود، بارها می‌شنود و تکرار می‌کند و

۱. ر.ک: ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. لسانی فنسارکی و مرادی، زبان قرآن (گزارش طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن کریم)، ص ۲۳۳. طبع و تکثیر خط عثمان‌طه و جایگزین کردن آن به جای برخی مصاحف دارای رسم‌های معتبر دیگر از نیریزی و حبیب‌الله فضایی گرفته تا دیگران، خطای بزرگی بود که تصحیح آن کم و بیش شروع شده است.

این شنیدن و تکرار تا آنجا ادامه می‌یابد که آیات مورد نظر در قلب او جای بگیرند. قرآن کریم پدیده‌ای از سنخ «کلام و زبان» است و راه آموزش اصولی و مؤثر آن، «آموزش به مثابه یک زبان» و انتقال آغازین آن به صورت سمعی است. اگر از این مسئله غفلت شود و قرآن آموز در بدو ورود به فضای آموزشی قرآن به جای «گوش و زبان»، از «چشم و زبان» (و از روش «روخوانی») استفاده کند، با ماهیت دگرگون شده آموزش قرآن روبه‌رو می‌شود. چنان آموزشی هرگز نمی‌تواند آموزشی مؤثر و فعال باشد و دیگر نباید به محصول آن نیز چندان چشم امید داشت. تکرار می‌شود که قرآن کلام خداست و باید در «قلب» قرآن آموز جای بگیرد، و راه ورود به «قلب» و دروازه آن نیز به دلایل فراوان قرآنی، روایی و علمی، گوش است.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَأَقْرَبَهُ».^۲

بدیهی است، عبارت «اقراء» در این روایت ناظر به مقام تعلیم قرآن است و این روایت را باید در کنار روایت «خیرکم من تعلّم القرآن و علمه»^۳ گذاشت.

اقراء آیات، یعنی اینکه معلم، آیات را قرائت کند تا متعلم بشنود و او نیز پس از معلم همان آیات را بخواند. این شیوه‌ای بوده است که خود پیامبر اکرم نیز براساس آن، قرآن را از ملکوت بالا و محضر قدس «ربّ اعلی» آموخته‌اند: «سُنُّرُوْکُمْ فَلَا تَنْسَی»^۴ و به دیگران نیز به همین شیوه آموزش می‌دادند؛ چنان که این مطلب در روایات متعدد به صورت فردی و جمعی نقل شده است: «رسول اکرم ﷺ در هر حال بر ما قرآن می‌خواندند»^۵؛

رسول الله ﷺ بر من آیه «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»^۶ را اقرار کردند؛

رسول الله ﷺ بر من آیه «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً» را با تاء (در فعل تجزی) قرائت کردند؛ «پیامبر بر من آیه "وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ"^۷ را به جزم سین و نصب تاء خواندند».^۸ عبدالله بن مسعود گفت: «بر پیامبر هفتاد سوره از قرآن را خواندم و قرائت آنها را از دهان او اخذ کردم، در

۱. تفصیل این سخن و دلایل آن را در دو فصل آینده خواهیم دید.

۲. «بهترین شما کسی است که قرآن را بخواند و آن را بر دیگران اقرار کند» (هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال

والافعال، خ ۲۳۵۴ و ۲۳۵۵).

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۶.

۴. اعلی، ۶.

۵. ترمذی، سنن، ج ۱، ص ۹۸، خ ۱۴۶. با توجه به اینکه مضمون دقیق تک تک این روایات، مورد استناد ما نیست،

از ترجمه آنها خودداری شده است. ۶. ذاریات، ۵۸.

۷. انعام، ۱۰۵.

۸. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۸.

حالی که زید "ذو ذؤابتین" بود [یعنی موی سر او را مانند دیگر پسر بچگان در دو گوشه سرش بسته و همانند رشته‌ای پیچیده بودند] و با کودکان بازی می‌کرد، و بقیه قرآن را بر بهترین این امت و عادل‌ترین آنان از لحاظ قضاوت پس از پیامبر امت، یعنی علی بن ابی‌طالب علیه السلام قرائت کردم.^۱

«رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از هجرت برای کسانی که از حوزه آموزش قرآن دور بودند، کسانی را به مدینه فرستادند تا به مردم آنجا اسلام را بیاموزند و قرآن را اقرار کنند. حضرت هنگامی که از مکه به مدینه مهاجرت کردند، معاذ بن جبل را برای آموزش و اقرار قرآن به مکه فرستادند».^۲

سهل بن سعد انصاری نقل می‌کند: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما آمد در حالی که ما مشغول اقرار آیات بودیم و با یکدیگر سوره‌هایی را که می‌دانستیم، اقرار می‌کردیم». در این لحظه بود که رسول خدا فرمود: «الحمد لله، کتاب الله واحد و فیکم الاحمر و فیکم الابيض و فیکم الاسود...».^۳

فرهنگ اقرار آیات الهی به عنوان روش تعلیم با آغاز نزول قرآن شکل گرفت. در مکه مکان‌هایی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین شده بودند که در آنها مسلمانان گرد هم آمده، قرآن می‌آموختند؛ از آن جمله، خانه ارقم بن ابی‌الرقم بود که در آن مسلمانان اجتماع می‌کردند و رسول خدا آیات الهی را بر آنها اقرار می‌کرد. یکی دیگر از راه‌های ترویج قرآن در سیره نبوی آن بود که حضرت در نماز و غیر آن، آیات الهی را آرام و شمرده تلاوت می‌کرد، و اصحاب به شنیدن این تلاوت لبریز از خشیت، عشق می‌ورزیدند و در اثر بسیاری استماع، آن آیات را می‌آموختند. این امر در مکه به صورت محدود صورت می‌گرفت،^۴ ولی در مدینه تلاوت آیات در نماز و خطبه‌ها از برنامه‌های هر روزه و یکی از راه‌های تعلیم و اقرار نبوی بود.

ام‌هاشم می‌گوید: «سوره "ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِیدِ" را نیاموختیم مگر از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله که در هر جمعه آن را بر مردم در خطبه می‌خواندند. تلاوت سوره "ق" و مانند آن در نماز، عادت همیشگی پیامبر و اصحاب بود».^۵

صیغه‌های مختلف از کلمات «قرائت»، «اقرار»، «استماع»، «سماع» و... در روایات مشابه و مربوط دیده می‌شود. این روایات در شرایطی صادر شده‌اند که مسلمانان، توانایی نوشتن و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۷۳.

۲. زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. «خدا را سپاس! کتاب خدا واحد است و میان شما سرخ‌فام، سپیدفام و سیاه حضور دارد...» (ابوداود، سنن، ج ۱، ص ۲۲۰، کتاب الصلاة، ح ۸۳۱).

۴. برای ملاحظه روایاتی در این زمینه، رک: عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ص ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۳۲ و ۱۳۶.

۵. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۴؛ زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۰۰؛ هندی، کنز العمال، خ ۴۰۷۰.

خواندن داشتند^۱ و به راحتی می توانستند روش بصری و کتبی را در آموزش زبان قرآن به کار گیرند و به هیچ روی نمی توان گفت که در آن زمان مسلمانان به علت کمبود نوشت افزار، ناگزیر از به کار گرفتن روش سمعی بوده اند.

مداومت در اقرء و استماع، در امر آموزش زبان قرآن اهمیت خاصی دارد که از جمله از این روایت قابل استنباط است: «رسول خدا ﷺ در هر حالی به جز هنگام جنابت، بر ما قرآن می خواندند».^۲ از روایات رسیده، افزون بر اصل اقرء، کیفیت آن نیز قابل برداشت است؛ یعنی اقرء آن حضرت به گونه ای بوده است که همه حروف کاملاً ادا شده و کلمات با تائی و صراحت به گوش مخاطب می رسیدند و حروف به روشنی از یکدیگر قابل تشخیص بودند؛ چنان که در این روایات می بینیم اصحاب در جاهایی که احتمال خلط میان حروف می رفته، نام حروفی را که شنیده اند نیز به روشنی ذکر کرده اند:

«أَقْرَأَنِي رَسُولُ اللَّهِ: "فَلَنْ تَسْتَطِيعَ" ۳ بالتاء».^۴

«أَقْرَأَنِي النَّبِيُّ: "وَلِيَقُولُوا دَرَسْتُ" ۵؛ یعنی بجزم السین و نصب التاء».^۶

«أَقْرَأَنِي النَّبِيُّ: "فَيَوْمَئِذٍ لَا يَعْدِبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ * وَلَا يُوْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ" ۷ و ۸».

«أَقْرَأَنِي رَسُولُ اللَّهِ: "فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ" ۹ بغير ألف».^{۱۰}

«أَقْرَأَنِي رَسُولُ اللَّهِ: "لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَفْسٍ شَيْئًا" بالتاء "وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ" بالتاء "وَلَا يُوْخَذُ

مِنْهَا عَدْلٌ" ۱۱ بالياء».^{۱۲}

۱. در این باره رک: دروزه، تاریخ قرآن، درسنامه، پژوهشنامه، نظریه پردازی به ضمیمه روش شناسی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی، ص ۴۲-۶۶.
۲. ترمذی، سنن، ج ۱، ص ۹۸، ابواب الطهاره، باب ۱۱۱، ح ۱۴۶.
۳. کهف، ۴۱.
۴. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۸.
۵. انعام، ۱۰۵.
۶. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۸.
۷. فجر، ۲۵ و ۲۶.
۸. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۵۵.
۹. بقره، ۲۸۳.
۱۰. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۵. همچنین، در این روایت عبارت «فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ بغير الف» مشاهده می شود، یعنی اقرء رسول اکرم ﷺ حتی گاه با یادآوری نکات مربوط به رسم الخط مصحف نیز همراه بوده است؛ از قبیل اینکه قرآن آموز توجه داشته باشد که «فرهان» که تلفظ آن را فرامی گیرد، در نگارش مصحف به صورت «فَرِهَان» بدون الف ثبت و کتابت می شود.
۱۱. همان، ۱۲. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۳.

عن ابن مسعود: «أقرأني رسول الله ﷺ سبعين سورة أحكمتها قبل أن يسلم زيد بن ثابت»^۱.
 از این روایت چنین برداشت می‌شود که بهتر است مُسْتَقْرَى، آیاتی را که بر او «اقرأ» شده است، به حد «احکام» برساند و احکام در صورتی حاصل خواهد شد که روند «اقرأ» و «استقراء» به اندازه کافی با تکرار همراه بوده و تا مدتی استمرار داشته باشد. طبیعی است که ابن مسعود، قادر نبوده است هفتاد سوره از قرآن کریم را با یک بار اقرأ پیامبر اکرم ﷺ به حد احکام برساند؛ از این رو، اقرأ رسول اکرم ﷺ مستمر و مداوم و علی کل حال بوده است و به سخن دیگر، ابن مسعود و امثال او همواره در یک فضای قرآنی قرار داشته‌اند تا به آن حد از احکام برسند.
 در روایتی دیگر، ابن مسعود از خواندن مستمر قرآن از سوی خود مسلمانان و نیز از رواج و استمرار «اقرأ» از سوی آنان بر زنان و فرزندان نشان سخن می‌گوید: «كيف يختلس منا وقد قرأنا القرآن فوالله لنقرأنه ولنقرئنه نساءنا وأبناءنا»^۲.

روایات فراوان دیگری وجود دارند که هرچند در آنها کلمات «اقرأ» و «استقراء» نیامده‌اند، ولی عبارتهایی در آنها یافت می‌شود که دلالت بیشتر و روشن تری بر رایج بودن روش سمعی آموزش قرآن در صدر اسلام دارند؛ در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:
 عبدالله بن مسعود روایت می‌کند: «كنا مع النبي في غار، فنزلت "والمُرسلاتِ عُرْفًا" فأخذتها من فيه و ان فاه لرطب بها...»^۴.

در خبر یادشده، سخن از گرفتن قرآن از دهان پیامبر است. «گرفتن سخن از دهان» عبارتی است که در بسیاری از روایات با آن مواجه هستیم. چنین ترکیبی «اخذ» و «گرفتن» به معنای درک عمیق و فهم دقیق است^۵ و از شنیدنی که موجب چنین نفوذ و رسوخی در جان نشود، نمی‌توان به «اخذ» تعبیر کرد و طبعاً بعد از «گرفتن» یک سخن، فراموشی به سراغ آن نخواهد آمد: «سَقِرُوكَ فَلَا تَنَسَى»^۶.

۱. ابن مسعود می‌گوید: «رسول اکرم ﷺ هفتاد سوره را بر من خواندند و من آنها را در قلب خودم محکم نمودم، قبل از آنکه زيد بن ثابت اسلام بیاورد» (همان، ص ۲۲۸).
 ۲. «چگونه ممکن است کسی از ما از جماعت مسلمانان جدا شود، حال آنکه ما قرآن را خوانده‌ایم. به خدا قسم ما آن را می‌خوانیم و بر زنان و فرزندان خود نیز همواره اقرأ می‌کنیم» (ترمذی، سنن، ج ۴، باب العلم، ص ۱۳۹، باب ۵ ح ۲۷۹۱).
 ۳. مرسلات، ۱. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۵۱.
 ۴. در زبان فرانسه نیز یادگیری و فهمیدن (comprendre, apprendre) از ریشه گرفتن (prendre) هستند و خود ریشه نیز معنای فهم دقیق و کامل را می‌رساند. چنان که در زبان انگلیسی، افعالی همچون take و mistake به ترتیب گرفتن به معنای فهمیدن و بد گرفتن به معنای نفهمیدن و اشتباه گرفتن را می‌رساند.
 ۵. اعلی، ۶.